

۱۰ گنج زبان انگلیسی

درس ۱ – Sense of Appreciation – حس قدردانی

| معنی | لغت | معنی | لغت |
|--------------------------|------------------|------------------------------------|------------------|
| به طور تصادفی | accidentally | نسل | generation |
| همراه با | along with | قدر دادن سپاسگزار | grateful |
| قدردانی | appreciation | راهنما | guideline |
| نویسنده | author | اداره کردن | handle |
| برکت نعمت | blessing | میراث | heritage |
| افزایش دادن تقویت کردن | boost | بنابراین | hence |
| بزرگ کردن مطرح کردن | bring up | بغل کردن | hug |
| زیر گریه زدن، ترکیدن بغض | burst into tears | کمبود فقدان | lack |
| به طور تصادفی | by accident | پا دامان | lap |
| از حفظ | by heart | کاهش دادن | lower |
| راستی، به هر حال | by the way | ذکر کردن | mention |
| به آرامی | calmly | جای تعجب نیست | not surprisingly |
| گرفتن | catch | معمولی | ordinary |
| چالش | challenge | طوطی | parrot |
| تایید کردن | confirm | پزشک عمومی | physician |
| ترکیب | combination | فرآیند، پروسه | process |
| مرکب | compound | فراهم کردن | provide |
| زیاد بی شمار | countless | مقدار | quantity |
| دفتر خاطرات | diary | قلمداد کردن لحاظ کردن در نظر گرفتن | regard |
| متعهد، فداکار | dedicated | تأسف آمیز، پشیمان | regretful |
| شایستگی داشتن | deserve | پاسخ دادن | reply |
| برجسته ممتاز | distinguished | جایگزین کردن | replace |
| استخراج کردن | elicit | مسئولیت | responsibility |
| وظیفه | duty | سهم به اشتراک گذاشتن | share |
| مسن سالخورده | elderly | علامت | signal |
| ذات بخش | enjoyable | از هیچ کاری دریغ نکردن | spare no pains |
| اخلاقیات | ethics | دزدیدن | steal |
| شکست | failure | قدرت | strength |
| غذا دادن به | feed | نوجوان | teenager |
| برای مثال | for example | دما تب | temperature |
| برای مثال | for instance | بی قید و شرط | unconditionally |
| بخشیدن | forgive | مایل و مشتاق | willing |

۱۰ گنج زبان انگلیسی

Collocation - هم آیندی، ترکیب پذیری: هرگاه دو واژه یا بیشتر با هم بیایند و در کنار هم طبیعی به نظر برسند و به گوشمان عجیب نباشند می گوئیم این دو واژه با هم هم آیند هستند یا قابلیت ترکیب پذیری دارند. مثلاً می گوئیم fast food و نمی گوئیم quick food ، مهمترین هم آیندهای کتابتان عبارت اند از: do - make a mistake - strong wind- heavy rain - quick meal - fast food : take temperature - say prayers - tell a story - hard of hearing - sit on the sofa - read a newspaper - exercise - burst into tears - spare no pains -

قواعد

جملات مجهول: الگوی ساخت فعل مجهول : (to be + p.p)

انگلیسی زبان ها زیاد دنبال انجام دهنده کار نیستند برایشان زیاد هم مهم نیست که چه کسی کار را انجام داده است. بیشتر برایشان این مهم است که فلان کار انجام شده است. جملات معلوم و مجهول فارسی و انگلیسی دقیقاً شبیه هم هستند.

مثال: جمله معلوم: علی نامه را نوشت - Ali wrote the letter * **جمله مجهول:** نامه نوشته شد - The letter was written / برای مجهول کردن جمله انگلیسی دقیقاً مانند مجهول فارسی عمل می کنیم ابتدا فاعل را حذف می کنیم و مفعول را به ابتدای جمله می آوریم. سپس با توجه به زمان جمله از فعل ربطی یا to be استفاده می کنیم و در آخر هم از قسمت سوم فعل یا همان صفت مفعولی استفاده می کنیم، چیزی که در مجهول خیلی مهم است، آوردن یک فعل to be درست و مناسب با زمان جمله است. فعلهای to be عبارت اند از: am, is, are, was, were, be, being, been

در این درس به بررسی ساختار مجهول زمان های حال ساده، گذشته ساده و حال کامل پرداخته شده است.

ساختار مجهول زمان حال ساده: am / is / are + p.p.

مثال: جمله معلوم: I write the letter * **جمله مجهول:** The letter is written

تلاشی در مسیر موفقیت

ساختار مجهول زمان گذشته ساده: was / were + p.p.

مثال: جمله معلوم: I wrote the letter * **جمله مجهول:** The letter was written

ساختار مجهول زمان حال کامل (ماضی نقلی در فارسی): have / has + been + p.p.

مثال: جمله معلوم: I have written the letter * **جمله مجهول:** The letter has been written

تمرین: جملات زیر را مجهول کنید.

Hamid sells a lot of shirts in Shiraz ----- A lot of shirts are sold in Shiraz

Reza answered the questions easily ----- The questions were answered easily

The teacher has explained the lesson for half an hour ---- The lesson has been explained for half an hour

They've taught English since three years ago ----- English has been taught since three years ago

۱۰ گنج زبان انگلیسی

سوال کوتاه (Question Tag)

یادگیری زبان آلمانی سخت است. این طور نیست؟ / فکر نکنم امسال برف زیادی داشته باشیم. مگر نه؟ * جملات سؤالی که به صورت رنگی نوشته شده اند همان سؤالات کوتاهی هستند که برای تأیید حرفمان یا کسب اطمینان از آن ها استفاده می کنیم در زبان انگلیسی هم این سؤالات کوتاه وجود دارند که با توجه به جمله قبل از خود ساخته می شوند. برای ساختن سؤال کوتاه در زبان انگلیسی باید حواسمان به مثبت یا منفی بودن جمله، فاعل و زمان جمله باشد. / **روش ساخت سوال کوتاه: ۱-** سؤال کوتاه از دو کلمه تشکیل شده است الف: فعل کمکی (در صورت منفی بودن مخفف آن) - ب: ضمیر فاعلی (I, you, he / she, we, they, it) - ۲- اگر جمله مثبت باشد سؤال کوتاه منفی است و بالعکس. - ۳- در سؤال کوتاه همیشه از فعل کمکی خود جمله استفاده می کنیم. اگر جمله اصلی حال ساده باشد از does, do و اگر گذشته ساده باشد، از did استفاده می کنیم.

مثال: برای جملات زیر سوال کوتاه مناسب بنویسید:

Susan is collecting stickers, **isn't she?**

We often watch TV in the afternoon, **don't we?**

Peter read a book carefully, **didn't he?**

George won't buy a new car, **will he?**

You have cleaned your bike, **haven't you?**

John and Max don't like maths, **do they**



Writing - جملات مرکب (Compound Sentences): جمله ای که دارای بیش از یک فاعل و فعل است و با حروف ربط so, but, and/or و غیره به هم وصل میشود جمله مرکب نامیده می شود / مثال: * I get up early in the morning, and I make an omelet for myself *
تلاشی در مسیر موفقیت
کاربرد حروف ربط:

۱- کاربرد and (و): زمانی استفاده می شود که میخواهیم توضیحات یا اطلاعاتی را به جمله قبلی اضافه کنیم و نشان دهنده فعالیت ها یا احساسات مشابه است *
He went to the restaurant and ordered food

۲- کاربرد but (اما): از این حرف ربط زمانی استفاده می شود که میخواهیم دو ایده متضاد را به هم وصل کنیم *
Our team tried hard, but we lost the game

۳- کاربرد or (یا): برای جایگزین کردن یا انتخاب از بین دو چیز استفاده می شود *
We can take a taxi, or travel by train

۴- کاربرد so (بنابراین): برای نشان دادن نتیجه با بیان کردن علت و معلول استفاده میشود؛ یا به عبارت دیگر جمله دوم نتیجه جمله اول است *
My grandmother can't sleep, so she is going to drink a glass of hot milk

۱۰ گنج زبان انگلیسی

درس ۲ – Look it up – آن را جست و جو کن

| معنی | لغت | معنی | لغت |
|--|------------------|------------------------------------|-------------------|
| منزوی بودن در لاک خود بودن | keep to oneself | مخفف | abbreviation |
| سطح | level | پیشرفته | advanced |
| آهن ربا | magnet | کمک | aid |
| بزرگ کردن بزرگ نمایی کردن | magnify | برنامه | app (application) |
| عمدتاً | mostly | ترتیب دادن مرتب کردن | arrange |
| یک زبانه | monolingual | تنظیم چینش | arrangement |
| پیشنهاد، پیشنهاد کردن ارائه کردن | offer | فضانورد | astronaut |
| شتر مرغ | ostrich | اگرچه | although |
| اصل | origin | دو زبانه | bilingual |
| عمدتاً | primarily | نیش گاز گرفتن | bite |
| تولید کردن | produce | بازار | bazaar |
| شناختن | recognize | رسیدن به گرفتن | catch |
| رابطه | relationship | ادعا کردن | claim |
| دوباره ساختن، تکثیر کردن | reproduce | تجاری، بازرگانی، | commercial |
| توصیه کردن | recommend | معاشرتی پرحرف | communicative |
| مقیاس | scale | تألیف کردن گرد آوردن | compile |
| بخش | section | پیچیده | complicated |
| کوسه | shark | تبدیل کردن | convert |
| کیوسک، دکه | stand | محصولات کشاورزی | crops |
| علامت اختصاری ...، بودن نماد چیزی بودن | stand for | شلوغ | crowded |
| چسبیدن به | stick to | پایگاه داده | database |
| مناسب | suitable | طراحی کردن | design |
| ما فوق بشری ابر انسان | superhuman | قطع | disconnection |
| شیرین | sweet | خشکی، خشکسالی | drought |
| نماد | symbol | به خطر انداختن | endanger |
| محاصره کردن | surround | به طور مؤثر | effectively |
| طول کشیدن، گرفتن برداشتن | take | ابتدایی | elementary |
| بنابراین | thus | مدخل ورودی آیتم | entry |
| گنج | treasure | غیر قابل فهم غیر قابل درک | incomprehensible |
| انتقال دادن | transmit | گسترش دادن | expand |
| ثابت غیر قابل تغییر | unchangeable | علامت تعجب | exclamation point |
| به طور غیر منتظره | unexpectedly | برجسته کردن | highlight |
| به طور ناموفق | unsuccessfully | از دست دادن شنوایی | hearing loss |
| بدون نظم | unsystematically | عفونت | infection |
| گسترده | widely | فوراً | immediately |
| بال | wing | به طور رو به افزایش به طور فزاینده | increasingly |
| از خود سؤال کردن | wonder | نامرئی | invisible |
| در حالی که | whereas | متوسط | intermediate |
| حل کردن سر در آوردن | work out | بلافاصله کاری را شروع کردن | jump into |

۱۰ گنج زبان انگلیسی

قواعد

ضمایر موصولی (Relative Pronouns): who - whom - which - that

ضمایر موصولی جانشین اسم یا ضمیر شده و دو جمله را به هم وصل می کنند همه آنها به معنی که هستند

مثال: The cat was drinking milk. It lives near us - گربه داشت شیر می خورد آن نزدیک ما زندگی میکند / حال به کمک ضمیر

موصولی، دو جمله بالا را به هم وصل می کنیم: The cat which lives near us was drinking milk

انواع ضمیر موصولی

۱- ضمیر موصولی **who**: فاعل / فعل + **who** + مرجع انسان * برای مرجع انسان به کار می رود و نقش فاعلی دارد؛ یعنی قبل از آن مرجع انسان و بعد از آن فعل یا فاعل می آید

The man lives at No. ۱۰. He plays golf. ----- The man **who** plays golf lives at No. ۱۰.

در جمله بالا ضمیر موصولی **who** دو جمله را به هم وصل کرد. توجه کنید که **who** جای **he** که فاعل است می نشیند به همین خاطر می گویند که ضمیر موصولی **who** نقش فاعلی دارد.

۲- ضمیر موصولی **whom**: فاعل + **who(m)** + مرجع انسان * وقتی که به عنوان مفعول جمله موصولی بیاید می تواند به جای **who** به کار رود؛ یعنی قبل از آن مرجع انسان و بعد از آن فاعل می آید. معمولاً در انگلیسی از **whom** استفاده نمی شود و ترجیحاً از **who** یا **that** استفاده می کنیم همچنین میتوانیم از **whom** همراه با یک حرف اضافه استفاده کنیم

The woman is coming to dinner. You met her yesterday. -- The woman **who(m)** you met yesterday is coming to dinner.

همان طور که میبینید **whom** جای ضمیر مفعولی **her** نشسته است. به همین خاطر می گویند ضمیر موصولی **whom** نقش مفعولی دارد و یادتان باشد چون **whom** جای **her** آمده است نباید **her** را در جمله دوم دوباره بیاوریم

۳- ضمیر موصولی **which**: فاعل یا فعل + **which** + مرجع غیرانسان * برای اشیا و حیوانات به کار می رود و می تواند هم نقش فاعلی داشته باشد و هم مفعولی. همیشه قبل از **which** مرجع غیرانسان می آید.

I found the keys. I lost them yesterday --- I found the keys **which** I lost yesterday.

۴- ضمیر موصولی **that**: می توانیم به جای ضمیر موصولی فوق از **that** استفاده کنیم.

The man **who / that** plays golf lives at NO. ۱۰.

I found the keys **which / that** I lost yesterday.

تمرین: جملات زیر را با استفاده از ضمایر موصولی ترکیب کنید:

I went to see a doctor. He had helped my mother ---- I went to see a doctor **who had helped my mother.**

Mary was wearing the red dress. She wears it for parties. --- **Mary was wearing the red dress which she wears for parties.**

I saw the man. The man lives next door --- I saw the man **who lives next door.**

۱۰ گنج زبان انگلیسی

I read about a new computer. I had seen it on TV --- I read about a new computer which I had seen on TV

This is the math teacher. I met him yesterday. --- This is the math teacher who(m) I met yesterday

شرطی نوع دوم: در این نوع شرطی قسمت if clause گذشته ساده و نتیجه شرط آینده در گذشته ساده است. جالب اینجاست با این که جمله فرم گذشته دارد ولی مفهوم آن در زمان حال است و این نوع شرطی غیر واقعی است ساختار آن به صورت زیر است

فعل ساده + would/could/might + گذشته ساده + If

گذشته ساده + If + فعل ساده + would/could/might

مثال: If we went by bus, it would be cheaper * اگر با اتوبوس میرفتیم ارزان تر میشد / همان طور که از معنای جمله مشخص است گوینده منظورش زمان حال است اما افعال جمله در زمان گذشته هستند.

مثال: I would call him if I had his number * اگر شماره اش رو داشتم با او تماس میگرفتم یعنی شماره او را ندارم پس نمیتوانم با او تماس بگیرم

مثال: If they arrived this afternoon, we might see them again * اگر آنها امروز بعد از ظهر می رسیدند شاید آنها را دوباره میدیدیم

توجه: در شرطی نوع دوم به جای فعل was برای سوم شخص و اول شخص مفرد از were استفاده میکنیم If I were you, I would ...
توجه: گاهی اوقات افعال بی قاعده ای که دارای سه قسمت یکسان هستند را با فاعل سوم شخص مفرد می دهند و سوم شخص فعل را حذف می کنند؛ بنابراین زمان جمله گذشته ساده است. اگر چنین شرایطی در قسمت شرط وجود داشت شرطی نوع دوم است. این افعال عبارت اند از: quit – burst – forecast – set – read – put – let – hurt – hit – fit – cut – cost

If my cousin read the book carefully, he would solve the problem.

Ali wouldn't catch a cold if he put on a warm coat.

Topic Sentence – Writing: بسیاری از پاراگراف های انگلیسی دارای یک جمله عنوان هستند این جمله که عمدتاً در شروع پاراگراف قرار دارد، عنوان یا ایده متن را به ما می گوید جمله عنوان معمولاً در جملات اول یا آخر است اما نباید گول بخوریم چون ممکن است هر کدام از جملات متن یک عنوان باشد این جمله معمولاً ترکیب عنوان و ایده کنترل کننده است.

Yoga is an excellent form of exercise for several reasons. First, it is easy to get started. Unlike other forms of exercise, yoga does not require a lot of special equipment or clothing, and it can be done almost anywhere. Next, yoga is a good form of exercise regardless of people's age or physical condition when they start out. However, most important are the benefits of yoga.

۱۰ گنج زبان انگلیسی

درس ۳ - Renewable Energy - انرژی تجدید پذیر

| معنی | لغت | معنی | لغت |
|--------------------------|-----------------|-------------------------|---------------|
| جذب کردن | absorb | منجر شدن به | lead to |
| دستگاه تهویه مطبوع | air conditioner | رهبر | leader |
| جایگزین | alternative | محل دفن زباله | landfill |
| درخواست دادن به کار بردن | apply | احتمال | likelihood |
| عذرخواهی کردن | apologize | بار | load |
| صورت حساب | bill | ماده | material |
| سود | benefit | مانیتور، نظارت کردن | monitor |
| بالکن | balcony | یعنی، به عبارت دیگر | namely |
| شخصیت | character | تجدید ناپذیر | non-renewable |
| شارژ کردن | charge | اطاعت کردن | obey |
| موکل مشتری | client | پریز | outlet |
| نتیجه گرفتن | conclude | غلبه کردن | overcome |
| شامل شدن | consist of | قابل حمل | portable |
| مصرف کردن | consume | آلوده کردن | pollute |
| اجتماع | community | مدیر، اصل، قاعده | principal |
| همکاری کردن | cooperate | ضرب المثل | proverb |
| سند | document | یادآوری کردن | remind |
| هضم کردن | digest | نیاز داشتن | require |
| ناتوانی | disability | چرخیدن دور زدن | revolve |
| محیط زیست | environment | چرخیدن، غلطاندن، پیچیدن | roll |
| معادل | equivalent | راه اندازی کردن | run |
| سوخت فسیل | fossil fuel | درخشان | shiny |
| فرمول | formula | جدا جدا کردن | separate |
| برای همیشه | forever | منشأ | source |
| تولید کردن | generate | اصطبل ثابت | stable |
| نسل، تولید | generation | نخ، زه، رشته | string |
| زباله | garbage | تأمین کردن | supply |
| ابزار | gadget | چمدان | suitcase |
| بیرون دادن | give off | جزر و مد موج | tide |
| جهانی | global | توربین | turbine |
| کالا | goods | مصرف کردن تمام کردن | use up |
| به تدریج | gradually | تنوع | variety |
| گله | herd | سبزیجات | vegetables |
| مضر | harmful | قابل رؤیت | visible |
| نیروی برق آب | hydropower | وزن کردن | weigh |
| مفصل | joint | ضایعات، هدر دادن | waste |
| به طول انجامیدن | last | حیات | yard |
| رهبری کردن | lead | | |

۱۰ گنج زبان انگلیسی

Proverbs – ضرب المثل: ضرب المثل های مهم کتاب:

God helps those who help themselves : از تو حرکت از خدا برکت

Birds of a feather flock together: کبوتر با کبوتر باز با باز

Practice makes perfect: کار نیکو کردن از پر کردن است

Easy come, easy go: بادآورده را باد میبرد

Don't count your chickens before they hatch: جوجه را آخر پاییز می‌شمارند

Cut your coat according to your cloth: پایت را اندازه گلیمت دراز کن

Kill two birds with one stone: با یک تیر دو نشان زدن

Money does not grow on trees: پول، علف خرس نیست

Absence makes the heart grow fonder: دوری و دوستی

The early bird catches the worm: سحر خیز باش تا کامروا شوی

Actions speak louder than words: به عمل کار برآید به سخندانی نیست

Too many cooks spoil the broth: آشپز که دو تا شد آش یا شور میشود یا بی نمک

Two heads are better than one: یک دست صدا ندارد

Out of sight, out of mind: از دل برود هر آنکه از دیده برفت

A burnt child dreads the fire: مارگزیده از ریسمان سیاه و سفید میترسد

Don't look a gift horse in the mouth: دندان اسب پیش کشی را نمی شمارند

there's no place like home: هیچ جا خانه خود آدم نیست

A friend in need is a friend indeed: دوست آن باشد که گیرد دست دوست در پریشان حالی و درماندگی

قواعد

گذشته کامل (ماضی بعید) : Past Perfect: زمان گذشته کامل ماضی بعید برای بیان عملی که در گذشته قبل از عمل دیگری صورت گرفته باشد استفاده می شود و مانند ماضی بعید فارسی ترجمه میشود: رفته بودم، رفته بودی، رفته بود، رفته بودیم، رفته بودید، رفته بودند. ساختار این زمان عبارت است از: قسمت سوم فعل + had + فاعل * I had played tennis

در اکثر مواقع زمان گذشته کامل با زمان گذشته ساده همراه است. عملی که گذشته تر است را با زمان گذشته کامل بیان می کنیم مثلاً شما ساعت ۸ صبح صبحانه خوردید و ساعت ۱۰ صبح شروع به خواندن کتاب کردید؛ در این صورت می گوییم قبل از این که شروع به خواندن کتاب کنید، صبحانه خورده بودید. در اینجا صبحانه خوردن را با گذشته کامل (ماضی بعید) بیان می کنیم چون قبل از خواندن کتاب انجام شده بود معمولاً کلمات ربط before after when because زمان های گذشته ساده را با گذشته کامل پیوند می دهند.

I had eaten lunch before I went out / When I got home, the baby had already fallen asleep.

جملات مجهول

۱- ساختار مجهول افعال وجهی: *** can, could.....+be+p.p.** The letter should be written

۲- ساختار مجهول گذشته کامل: *** had+been+p.p.** The letter had been written

۳- ساختار مجهول حال استمراری: *** am/is/are + being+ p.p.** The letter is being written

۴- ساختار مجهول گذشته استمراری: *** was / were + being + p.p.** The letter was being written

۵- ساختار مجهول آینده ساده: *** will + be + p.p.** The letter will be written

۶- ساختار مجهول **be going to**: *** be going to + be + p.p.** The letter is going to be written

نکته: برای این که بفهمیم از معلوم استفاده کنیم یا مجهول از دو روش می توان استفاده کرد. روش اول این که جمله را معنی می کنیم و اگر به صورت مجهول معنی شد، در انگلیسی هم از مجهول استفاده می کنیم روش دیگر این است که فعل گزینه را معنی می کنیم اگر گذرا بود و بعد از آن هم مفعولی نیامده باشد جمله مجهول است و اگر مفعولش آمده باشد جمله معلوم است.



مثال: شکل صحیح افعال داخل پرانتز را بنویسید

The waste should..... (collect) every night to be sent to the landfill : **be collected**

People must (warn) that there are crocodiles in the area: **be warned**

Her work has to..... (do) by tomorrow or she'll get in: **be done**

Something should..... (do) about global warming or else some types of penguins will die out: **be done**

They..... (solve) the questions before the teacher arrived: **had solved**

They can..... (change) wind into electricity: **change**

A lot of houses..... (build) in Kermanshah at the moment: **Are being built**

Writing - جملات پشتیبان و جملات پایانی یا نتیجه گیری

جملات پشتیبان بعد از عنوان پاراگراف می آیند و عنوان متن را توضیح می دهند گاهی دلایلی برای آن می آورند یا با مثال آن را برای ما روشن تر می کنند و در مواقعی هم داستانی کوتاه درباره آن نقل می کنند باید حواسمان باشد که هر جمله ای در پاراگراف باید به عنوان متن مربوط باشد و از آوردن جملات غیر مرتبط باید پرهیز کنیم.

۱۰ گنج زبان انگلیسی

جمله آخر متن معمولاً همان جمله نتیجه یا پایانی است و معمولاً عنوان متن را به طریق دیگری تکرار می کند * همه پاراگرافها جمله نتیجه ندارند.

جملات نتیجه گیری معمولاً با این عبارات همراه است: therefore-thus * as a result * in conclusion * in summary

چند نکته مهم برای پاسخ دادن به سوالات Reading یا درک مطلب:

۱- متن را بخوانید. ۲- نکات مهم و ایده اصلی متن را پیدا کنید ۳- برای هر نکته یا ایده یک سؤال درست کنید ۴- به سؤالات پاسخ دهید.

نکته: یک روش برای به یاد آوردن آنچه که خوانده ایم برجسته کردن اطلاعات مهم در متن است. این کار را می توانیم با مایک انجام دهیم یا زیر اطلاعات مهم خط بکشیم. برای این کار می توانیم ایده های اصلی متن، نکات مهم، عبارات یا بخشی از جمله را مشخص کنیم نباید جزئیات ب یا اهمیت و جملات کامل را مشخص کنیم

مثال:

Sharks are not all the same. In fact, there are nearly ۴۰۰ different kinds. Most sharks never attack people. Only a special group of sharks can be dangerous. They kill an average of forty people every year. Let's compare sharks with snakes. Snakes kill about ۶۰,۰۰۰ people every year. And let's not forget that people kill ۲۵,۰۰۰,۰۰۰ sharks every year.

نکته: یادداشت برداری می تواند به شما کمک کند تا متنی که خوانده اید را به یاد بیاورید. فرمول خاصی برای آن وجود ندارد باید روش مناسب خودتان را پیدا کنید. هنگام خواندن متن، ایده ها مثال ها، واژگان را در حاشیه متن یادداشت کنید، تا بتوانید از نمادها و کلمات اختصاری استفاده کنید.

تلاشی در مسیر موفقیت